

بررسی رابطه ساختار گورستان با شرایط اجتماعی - تاریخی: مطالعه موردی گورستان روستای تپه دیبی

یوسف غلامی سفر

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

یوسف غلامی سفر

Gholamisafar2002@yahoo.com

چکیده

گورستان محل دفن امواتی است که سالیانی در جامعه انسانی زیسته و در تکوین فرهنگ جوامع دخیل بوده اند. در واقع گورستانها جزئی از جامعه انسانی بوده که بازتابی از درک جامعه نسبت به زندگی اجتماعی، اقتصادی، ادبی، هنری و دینی می باشند. عناصر ساختار گورستان همانند موقعیت آن، مناظر، سنگ قبرها و محتوای آن همگی نه تنها شرایط اجتماعی و تاریخی یک جامعه را بیان می کنند بلکه از دنیای پس از مرگ نیز سخن می رانند. در این مقاله بصورت مشاهده ای و اسنادی یکی از گورستانهای مناطق روستایی شمال استان همدان مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته های حاصل از نمونه های مطالعه شده بیانگر تأثیر شرایط تاریخی و اجتماعی جامعه بر ساختار گورستانها می باشد. گورستانهای متروک با مناظر بدون برنامه و قبور بدون سلیقه و فاقد سنگ قبر با دوره هایی از تاریخ در ارتباطند که جامعه به لحاظ امنیتی و اقتصادی در شرایط سختی به سر می برده است. در مقابل شرایط مناسب جامعه به لحاظ اقتصادی و امنیتی در شکوه گورستانها تأثیر ویژه ای داشته اند. در طی دو قرن گذشته مناطق شمال استان همدان دوره های متفاوتی را تجربه نموده اند. تجاوز و اشغالگری روسها، بروز امراضی همچون وبا، اشغالگری متفقین، بروز قحطی های متوالی ناشی از جنگها و یا خشکسالی از جمله این دوره ها بوده است. همچنین توسعه فن آوری در جامعه و افزایش سطح سواد، آگاهیها، ارتباطات از یک طرف و رخدادهای اخیر همچون انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی از طرف دیگر باعث تغییر در جلوه های گورستانها شده اند.

واژگان کلیدی: گورستان، شرایط اجتماعی، شرایط تاریخی.

مقدمه

زندگی انسانها از مراحل مختلفی تشکیل می شود. با رخدادهای قبل از تولد شروع و بعد از بدنیا آمدن و طی مراحل مختلفی در نهایت به مرگ منتهی می شود. علی‌رغم اینکه زندگی جمعی انسانها بعد از مرگ ایشان به پایان می‌رسد، مرگ و آیین‌های مرتبط با آن به همراه محل و نحوه دفن مردگان جزئی از زندگی اجتماعی و فرهنگ جمعی انسانهای زنده و بازماندگان می‌باشد. به نحوی که پدیده‌هایی همچون گورستان، ساختار و موقعیت آن، نحوه دفن و کفن، اشکال مختلف قبور، کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها و محتوای آنها همگی در ارتباط با پدیده‌هایی اجتماعی انسانهای زنده همچون اختلافات طبقاتی و قشربندی اجتماعی، هویت طلبی، اعتقادات، تقسیم‌بندی جنسیتی، ادبیات، هنر و وقایع اجتماعی قرار می‌گیرد.

آداب و مناسک‌های مختلفی که بازماندگان در مرگ عضوی از گروه خود به اجرا می‌گذارند خود بیانگر هویت اجتماعی و فرهنگ جمعی جامعه‌ای می‌باشد که فرد متوفی به آن تعلق داشته است. استفاده از نمادهای مختلف برای عزاداری، دفن در زیر خاک، شکستن ظرف در سر قبر مرده، استفاده از نامه‌های مبتنی بر زندگی همچون آب‌حیات، یاشار، ژبان و از این قبیل که متناسب با فرهنگ اقوام هستند، استفاده از مفاهیم توأم با ایهام به جای واژه مرگ و دهها موارد دیگر از جمله عناصر فرهنگی هستند که در یک جامعه پویا وجود دارد. یکی از این موارد مجموعه گورستان و ساختار آن می باشد که ارتباط تنگاتنگی با شرایط اجتماعی داشته و بازتابی از زندگی جمعی انسانها می‌باشد. اینکه گورستان در چه موقعیتی از محل سکونت انسانها قرار دارد، اشکال قبرها چگونه است، شکل سنگ قبرها و محتوا و متون و تصاویر حکاکی شده بر آن به چه نحوی است، قطعه بندی قبور بر چه اساسی است، همگی بیانگر شرایط زندگی جمعی آن جامعه می باشد.

تغییرات اجتماعی بعنوان یک اصل در جامعه‌شناسی بیانگر پویا در حال تغییر بودن زندگی جمعی انسانها و تمامی پدیده های منتسب بر آن است. لذا گورستان‌ها نیز متأثر از این تغییرات بوده و در طول زمان بر حسب شرایط اجتماعی انسانها، وضعیت اقتصادی، اوضاع سیاسی و امنیتی، ادبیات حاکم، اعتقادات مردم و مواردی از این قبیل دچار تغییر می‌شوند.

در این مقاله تغییرات صورت گرفته در ساختار گورستان در یک منطقه روستایی بر حسب شرایط تاریخی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. روستای تپه‌دیبی یکی از روستاهای استان همدان می باشد که در ۸۵ کیلومتری شمال مرکزی استان و غرب بخش سردرود واقع گردیده است. این روستا با توجه به آثار به جا مانده در محیط آن از قدمتی نسبتاً طولانی برخوردار است. سنگ‌نوشته‌های گورستان روستا حاکی از آبادی آن در قرن یازدهم هجری است. در این مقاله تغییرات صورت گرفته در این گورستان در طی دو قرن گذشته بصورت موردی مطالعه می‌شود. یافته‌ها حاکی از تأثیر رخدادها و تغییرات اقتصادی، سیاسی، ادبی و اعتقادی مردم در ساختار گورستان می‌باشد.

پیشینه پژوهش

اگرچه مطالعات باستان‌شناختی گسترده‌ای در خصوص سنگ‌نوشته‌ها از یکطرف و مطالعات تاریخی در خصوص رویدادهای مهم دوران معاصر از طرف دیگر وجود دارد، مطالعات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی تاریخی مرتبط با گورستان و ارتباط آن با تغییرات تاریخی چشمگیر نبوده و در اینجا به موارد اندکی اشاره می‌شود.

محمد الیاس [1] در مقاله روزنامه‌ای تحت عنوان **مرده‌ها در حیات اجتماعی ما شریکند** به کارکردهای جامعه‌شناختی گورستان اشاره کرده و می‌نویسد زندگی اجتماعی و واقعیت‌هایی چون اختلاف طبقاتی و قشربندی اجتماعی و هویت طلبی و تقسیم‌بندی جنسیتی نقشه‌ها به قدری ریشه‌دار و قوی عمل می‌کنند که حتی در گورستان نیز استیلای خود را حفظ می‌نماید. به زعم وی با رویکرد روش‌شناسی مردم نگارانه می‌توان به این نکته پی برد که بین یادآوری مرگ و کمرنگ شدن واقعیت‌های اجتماعی و بایدها و نبایدهای فرهنگی نه تنها همبستگی مثبتی وجود ندارد بلکه در مناسک خاکسپاری و آداب و رسوم مربوط به مرگ، واقعیت‌های اجتماعی هم خود را نشان می‌دهند و هم با قدرت تمام باز تولید می‌شوند. محمدباقر کبیرصابر [2] در مطالعه خود موضوع درهم آمیختگی مواد فرهنگی متأثر از دو آیین اسلامی

و مسیحی را در گورستان آرامنه تبریز مورد توجه قرار داده است. او نتیجه می‌گیرد که کیفیت محیطی مورد بحث، پی آمد یک فرایند تاریخی است که طی آن، جابجایی دسته ای از مواد فرهنگی دوره اسلامی، از بسترهای اصلی خویش به بستری دیگر واقع شده است. سعیده رحمن ستایش [3] در کتاب ۵ فصلی خود با مطالعه گورستان دارالسلام شیراز، ضمن نگاهی ویژه به گورستان مذکور، به جایگاه فرهنگی گورستانها پرداخته و نمادهای گرافیکی و نشانه شفاهی نقوش در سنگ مزار، سمبل و نماد حیوانی، نقوش انسانی و انتزاعی پرداخته است. آنیسا آیتی زاده [4] در بررسی سنگ نگاره‌های باستانی اسبقته یزد معتقد است که سنگ نگاره‌ها از نویافته‌ترین هنرهای ایران است که در نقاط مختلف ایران پراکنده‌اند و هر یک نشان و کلامی از دنیای باستان دارند. او با بررسی انواع نقوش حکاکی شده در روستای شواز یزد نشان می‌دهد که نمادهای باروری و زایش (بز کوهی و قوچ) نمادهای مهر پرستی (چلیپا و حلقه مهر) نماد جهت نما و نقوش حیوانی، انسانی و گیاهی بیانگر قدمت سکونت در منطقه مذکور و اعتقادات و آیین‌های اولیه ساکنان است.

نوری یازبجی [5] در مقاله خود تحت عنوان فرهنگ آخرت، گورستان را مکانی می‌داند که در آن باورها و احساسات یک جامعه منعکس می‌شوند. او طی بررسی گورستانهای مالیک و تورب در منطقه اونییه ترکیه، معتقد است که مردم از طریق قبرها در محله خود به همزیستی خود با اجدادشان ادامه می‌دهند. این نوع همزیستی در بین اعضای جوامعی که دارای مذهب یکسان هستند مشابه نمی‌باشد. برای مثال در میان جوامع گوناگون مسلمان، سنت قبر و هنر، ادبیات، و دکوراسیون مرتبط بسیار متفاوت از یکدیگر هستند. وجود ادبیات و دکوراسیونهای متفاوت در قبرستانها را به تفاوت درک مردم از زندگی پس از مرگ مربوط می‌داند. دانیل جی می [6] گورستان را بعنوان یک اجتماع از دیدگاه جامعه شناسی مورد بررسی قرار داد. او با بررسی سنگ قبرها بینش قابل اعتمادی را نسبت به الگوهای اجتماعی و جمعیت‌شناختی جامعه در طول زمان ارائه می‌کند. او معتقد است که با استفاده از داده های موجود در گورستان، امکان مشخص نمودن الگوهای مفهومی تولد و مرگ شاخصهای مرگ و میر نوزادان وجود دارد. با این دیدگاه او گورستان بللیر در ایالت ایلونویز را جهت فهم بیشتر از تجارب اجتماعی کسانیکه در این منطقه در طول ۱۵۰ سال گذشته زندگی می‌کردند را بررسی نمود.

مفهوم نظری

همانطور که گفته شد در این مقاله تغییرات صورت گرفته در ساختار گورستان در یک منطقه روستایی بر حسب شرایط تاریخی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه گورستان بازتابی از جامعه زنده انسانهاست، و متعلق به جامعه پویا می‌باشد، می‌توان تغییرات صورت گرفته در آن را از نوع تغییرات اجتماعی در نظر گرفت. تغییرات اجتماعی از طرفی دارای الگوهای متفاوتی همچون تکامل، اشاعه، فرهنگ‌پذیری، شهری شدن و صنعتی شدن هستند و از طرف دیگر معلول عوامل مختلفی همچون رشد هوش انسانها، تضاد طبقاتی، جمعیت و تقسیم کار، عوامل اقتصادی، پیشرفت تکنولوژی، عوامل فرهنگی، نخبگان و موارد دیگر می‌باشد. تغییر در زندگی انسانها موضوعی همیشگی بوده و در برخی موارد با اجبار و در برخی موارد با اشتیاق صورت گرفته است. آنچه که مهم است مطالعه تغییرات اجتماعی از نوع مطالعات پویا بوده و نیاز به اسناد و مدارک تاریخی می‌باشد. در واقع تغییر از جمله موضوعات اجتماعی است که آنرا نمی‌توان به سبک ایستایی مطالعه کرد. به عبارت دیگر تغییر در طی تاریخ و گذشت زمان انجام می‌گیرد.

به زعم واگو [7] تغییر اجتماعی فرایندی است از جایگزینی کمی و کیفی پدیده های اجتماعی که ممکن است بابرنامه و یا بی‌برنامه باشد و مشتمل بر چهار وجه هویت تغییر (پدیده اجتماعی مورد تغییر)، سطح تغییر، دوره زمانی و جهت تغییر است. در تطبیق نظر واگو پدیده اجتماعی مورد تغییر ساختار گورستان می‌باشد که بدلیل تعلق آن به یک جامعه پویا، در سطح اجتماعی بررسی می‌شود. این تغییر در طی زمان مد نظر بوده و از نوع چرخشی است. در این مقاله تغییر در ساختار گورستان تحت دو عامل ناامنی و بی‌ثباتی و ضعف سیاسی در وهله اول و سطح ضعیف اقتصادی که خود معلول عامل اول است در وهله دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش کار

تحقیق حاضر از نوع مطالعات کیفی و بدون مزاحمت می‌باشد. به عبارتی دیگر محقق هیچ مداخله‌ای در مشاهدات خود نداشته و مطالعه با استفاده از روشهای کیفی همچون تحلیل تاریخی و تحلیل محتوا صورت گرفته است. اطلاعات لازم از طریق اسناد شامل سنگ

نوشته‌های موجود در گورستان و برخی مقالات و کتب تاریخی بدست آمده است. میدان تحقیق نیز، گورستان روستای تپه دیبی در استان همدان می‌باشد که بطور خاص در ادامه معرفی می‌شود.

ساختار گورستان

گورستان روستای تپه‌دیبی در غرب روستا و در مجاورت دو نهر آب همیشه جاری قنات تپه‌دیبی که دارای ۸۰ میله چاه و ۸۰۰۰ متر طول و آب چشمه نیلر (نیی) که از فاصله ۵۰۰۰ متری جاری می‌شود، ایجاد شده است (تصویر شماره ۱). دبی قنات مذکور طبق آخرین برآورد ۵۰ لیتر بر ثانیه بوده است [8].

نزدیکی به آب از دو نظر قابل بررسی است؛ اول کارکرد آب در آیین‌های خاکسپاری بوده است. دسترسی آسان به آب جهت تهیه گل، شستشوی قبرها از یک طرف، و شستشو و غسل دادن میت در نزدیکی گورستان از طرف دیگر از کارکردهای عینی این دو نهر بوده است. به نحوی که غسلخانه سابق دقیقاً در محل تلاقی دو آب ایجاد شده و نهر آب از وسط غسلخانه عبور می‌کرد. علاوه بر این موارد این دو نهر آب محیط را سرسبز و با طراوت نگه داشته بود.



تصویر شماره ۱: درج مسیر نهرهای مربوط به قنات تپه دیبی (نهر شرقی) و آب نیلر (نهر غربی)

انتخاب موقعیت غربی روستا بعنوان گورستان بی‌ارتباط با باورهای مردم نبوده است. اینکه تولد را به طلوع خورشید و مرگ را به غروب آن منتسب می‌کردند.

"نو را غروب نماید ولی شروق بود لحد چو حبس نماید خلوص جان باشد" (مولوی)

در ادبیات ترکی این منطقه اصطلاحاتی وجود دارد من جمله «آدی باتدی» که معنای تحت لفظی آن غروب نمودن اسم یک نفر می‌باشد که به صورت یک استعاره بیانگر فراموش شدن نام یک فرد است.

گورستان در یک زمینی چارگوش که طول آن در سمت شمال ۱۷۴ متر و در سمت جنوب ۱۸۳ متر، در سمت غرب ۱۵۵ متر و در سمت شرق ۴۵ متر می‌باشد، قرار گرفته است. مساحت تقریبی آن در حدود ۱۶۵۰۰ متر مربع می‌باشد. گورستان را می‌توان به سه بخش کلی تقسیم نمود. قسمت شرقی، مرکزی و غربی که ایجاد و بنای آن از قسمت شرقی شروع و در گذر زمان به سمت غرب توسعه پیدا نموده است. مساحت بخش شرقی ۵۶۷۰ متر مربع، قسمت میانی ۴۴۳۰ متر مربع و قسمت غربی ۶۴۰۰ متر مربع و همگی آن موقوفی اهالی است

تقسیم بندی فوق به لحاظ شکل قبور، ترتیب آنها و کتیبه های موجود در روی قبرها صورت گرفته است. قسمت شرقی با قبوری که دور تا دور آن سنگ چین شده و بیشتر آنها دارای سنگ قبر از نوع آهکی بوده و متون آنها به زبان فارسی و دارای اشعار شعرای کلاسیک و همینطور نقشها و تصاویر مختلف نمادین هستند. این قسمت با توجه به تاریخهای مندرج در سنگ نوشته ها مربوط به محدوده تاریخی ۱۲۰۰ تا ۱۳۲۴ هجری قمری می‌باشد.

قسمت میانی که بیشتر به شکل یک مثلث وارونه که قاعده آن در سمت شمال و رأس آن در سمت جنوب می باشد، دارای قبوری است که فاقد سلیقه خاص و هرگونه سنگ نوشته می باشد. قسمت غربی در برگیرنده قبوری که با ترتیب در کنار هم قرار گرفته و اکثراً دارای سنگ نوشته به سبک جدید هستند. تاریخ های درج شده در این قسمت مربوط به دوره تاریخی سال ۱۳۴۰ هجری شمسی تاکنون است. لذا می توان قبور قسمت میانی را به دوره تاریخی ۱۳۲۴ هجری قمری مصادف با ۱۲۸۴ شمسی تا ۱۳۴۰ شمسی مصادف با ۱۳۸۱ قمری مربوط دانست.

تأثیر شرایط تاریخی بر گورستان

تقسیم بندی گورستان به سه بخش شرقی، مرکزی و غربی با توصیفاتی که داده شد، در ارتباط با سه دوره تاریخی مندرج در سنگ نوشته ها یعنی محدوده سالهای ۱۱۶۴ تا ۱۲۸۴ ش (۱۲۰۰ تا ۱۳۲۴ ق)، ۱۲۸۵ تا ۱۳۳۹ ش (۱۳۲۵ تا ۱۳۸۰ ق) و ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۴ ش (۱۳۸۱ تا ۱۴۳۶ ق) مورد بررسی قرار می گیرد. در این سه دوره کلی دوره های محدودتری نیز مشخص گردیده که در ساختار گورستان تأثیرات متفاوتی را داشته اند.

بخش شرقی گورستان (دوره تاریخی ۱۱۶۴ تا ۱۲۸۴)

قسمت شرقی قبرستان به لحاظ تاریخی نسبت به دو بخش مرکزی و غربی از قدمت بیشتری برخوردار و دارای ویژگیهای متمایز با آن بخشها می باشد. سنگ نوشته های به جا مانده بر اساس تاریخ های ثبت شده در آنها متعلق به دوره ۱۲۰۰ تا ۱۳۲۴ هجری قمری می باشد. در این جا جهت تسهیل نمودن تواریخ به هجری شمسی تبدیل گردیده و بیانگر دوره ۱۱۶۴ تا ۱۲۸۴ هجری شمسی می باشد.

در تاریخ ایران دوره تاریخی ۱۱۶۴ تا ۱۲۸۴ که ۱۲۰ سال را در بر می گیرد مربوط به واپسین سالهای حکومت سلسله زندیه و بخش اعظم دوره حکومت سلسله قاجار می باشد که رخدادهای مهم تاریخی در آن اتفاق افتاده که در جای خود در زندگی تک تک اعضای جامعه اثر گذار بوده اند.

حکومت صفوی که بعد از قریب ۹۰۰ سال جغرافیای ایران را از نو احیا نموده و توانسته بود ضمن احیای نمادهای مهم ملی از جمله واژه ایران و پرچم آن، سر و سامان مجددی بر آبادانی کشور بدهد، با تهاجم شورشیان افغان از هم پاشید. تهاجم افغانها و سقوط کشور یکی از دوره های بزرگ افول در تاریخ ایران بوده که شهرها و روستاها از آبادانی رو به ویرانی نهادند. چنان که حکومت های کوتاه مدت افشاری و زندیه نیز نتوانستند ثبات لازم را برقرار نمایند. در دوران حکومت قاجار نیز هر چند که به لحاظ زمانی مدت نسبتاً طولانی از تاریخ ایران را در بر گرفت، ولیکن بدلائل مختلفی همچون ضعف حکام و دخالت بیگانگان، آبادانی قابل توجهی رخ نداد. با این حال بعد از خاتمه کامل تسلط افغانها بر کشور تا جنگ جهانی اول که بار دیگر ایران توسط بیگانگان تحت اشغال درآمد، آسودگی خاطر و رفاه در حد پایین در شهرها و روستا حاکم گردید. هر چند که در این دوره نیز اتفاقاتی همچون تحمیل عهدنامه های ننگین گلستان در سال ۱۱۹۲ و ترکمانچای در سال ۱۲۰۷ بار سنگینی را بر دوش مردم گذاشته و اوضاع زندگی را تحت تأثیر خود قرار دادند.

بخش شرقی قبرستان مصادف با واپسین سالهای حکومت سلسله زندیه و بخش اعظم دوره حکومت سلسله قاجار می باشد (برای نمونه؛ تصویر شماره ۲ و تصویر شماره ۳). بیشتر قبرهای این بخش دارای سنگ نوشته هایی هستند که هویت متوفی را نشان می دهند. قبور با قطعه سنگهایی که متعلق به کوه های نزدیک می باشند دور چینی شده و سنگ نوشته ها بصورت مسطح و افقی بر روی قبور و در قسمت سینه به کار گذاشته شده اند. برخی سنگ نوشته ها نیز توسط لاشه سنگهایی دور چینی شده و مورد محافظت بیشتری قرار گرفته اند. آنچه که واضح است تأثیر آشکار دین اسلام و مذهب تشیع و حتی زبان عربی در شکل و محتوای این سنگ نوشته ها می باشد. از ۴۴ سنگ نوشته ای که در این قسمت مورد بررسی قرار گرفت، فقط ۳ مورد بصورت مستطیل و مابقی به شکل مخروطی می باشند که خود یادآور معماری اسلامی و سردر مساجد و محرابها هستند. هویت افراد متوفی با ادبیات عربی نشان داده شده اند که در آن علاوه بر ذکر نام فرد به نام پدر متوفی نیز اشاره شده است. از ۸۸ اسم مندرج در ۴۴ سنگ نوشته (اسامی متوفی و پدران ایشان) ۸ نفر با عنوان کربلایی، ۳ نفر با

عنوان حاجی، ۱۲ نفر با عنوان سید، ۳ نفر با عنوان خان و ۵ نفر با عنوان بک معرفی شده‌اند. تاریخ فوت متوفی معمولاً در پایین سنگ با قید واژه عربی «سنه» درج شده و در هیچکدام از سنگ نوشته‌ها به تاریخ تولد متوفی و یا سن آنها اشاره‌ای نشده است.

حاشیه سنگها با اشکال ۶ ضلعی که هر کدام حاوی قطعات ادبی هستند حکاکی شده‌اند. در رأس سنگها علامتهای مختلف که هر کدام بصورت نمادی معرف هویت فرد متوفی است درج گردیده‌اند. از ۴۴ سنگ نوشته مطالعه شده ۲۵ مورد مربوط به متوفای زن و ۱۹ مورد مربوط به متوفای مرد می‌باشد. اشعار استفاده شده که بعضاً از شعرای نامی کشور همچون سعدی علیه‌الرحمه می‌باشد، از زبانحال فرد متوفی درج گردیده است. فرد متوفی در برخی اشعار با تکیه بر تجربه خود و گذشتگان، زائرین خود را نصیحت نموده و نسبت به نهایت دنیا آگاه می‌نمایند.

جهان ای برادر نماند به کس دل اندر جهان آفرین بند و بس

مکن تکیه بر ملک دنیا و پشت که بسیار کس چون تو پرورد و کشت

در برخی سنگ نوشته‌ها فرد متوفی با تکیه بر اعتقادات خود و بازماندگان، زائرین خود را از وضعیت بعد از مرگ خودشان آگاه می‌کنند. در این اشعار اعتقادات مذهبی و شفاعت اهل بیت علیهم السلام کاملاً آشکار است.



تصویر شماره ۲: نبات بنت یحیی بک سنه ۱۲۰۰



تصویر شماره ۳: شیرین بنت نقدعلی سنه ۱۲۲۴

چون نامه اعمال را بپیچیدند بردند به میزان عمل سنجیدند

بیش از همه کس گناه ما بود اما آنرا به محبت علی بخشیدند

الله محمد علی یار رس است در کنج لحد علی بفریاد رس است

در سنگ نوشته هایی دیگر فرد متوفی درخواست خود را از زائرین مطرح می نماید. درخواستهایی که همگی تحت تأثیر اعتقادات افراد متوفی و بازماندگانشان است.

گر به خاکم بگذری دامن کشان از سر اخلاص الحممدی بخوان

غریق رحمت یزدان کسی باد که روح مرا بالحممدی کند شاد

نمادهای استفاده شده برای سنگ قبر زنان معمولاً مهر، شانه دو سر، قیچی بسته و حلقه جفت که بیشتر شبیه گوشواره می باشد هستند. در سنگ قبر مردان از نمادهای مهر، تسبیح و شانه یک سر استفاده شده است. تنها در یک سنگ قبر از شکل یک اسلحه گرم (تفنگ) و در یک سنگ دیگر از دو خوشه گندم استفاده شده است که محتمل بیانگر شغل ایشان می باشد. استفاده از اشکال و تصاویر در سنگ نوشته ها به دوره های بسیار کهن باز می گردد که از این اشکال یا بصورت نمادین (خط تصویری) و یا بصورت رمز استفاده می شده است. این فرهنگ در گورستانهای متأخر نیز با رنگ دینی رایج گردیده است. استفاده از قیچی در ظاهر بیانگر خیاطی که از خصوصیات خانه داری است را نشان می دهد که در سنگ نوشته همه زنان دیده می شود. همینطور تصویر دو حلقه شبیه گوشواره نیز در بیشتر سنگ نوشته های زنان دیده می شود که در ظاهر می توان به استفاده آنها از این آلت زینتی تعبیر نمود. استفاده از مهر در همه سنگ قبرها را می توان به مذهب شیعه و ارادت جامعه تشیع به تربت پاک ائمه اطهار نسبت داد. چرا که برخی القاب همچون «سید» و یا «کربلایی» با حساسیت کامل در سنگ قبرها درج گردیده است. حتی در سنگ قبری اصطلاح «زوار حسین» به واژه کربلایی مضاف شده است. یا استفاده زنان از شانه های دو سر چوبی که تا این اواخر توسط زنان مسن استفاده می شد، بدین نحو که دندانهای یک طرف شانه نزدیک به هم و طرف دیگر فاصله دار بودند، باعث حک این نوع نقشها در سنگ قبر زنان شده بود. با این حال قابل ذکر است که این نقوش ریشه در افکار بسیار کهن داشته و صرفاً کارکرد ظاهری اشیاء را نمی رساند بلکه ریشه در افکار و اعتقادات و دیدگاههای فلسفی جامعه داشته و هر کدام بصورت یک نماد و نشانه که بعضاً متفاوت از معنای ظاهری است، به کار رفته اند.

بخش میانی گورستان (دوره تاریخی ۱۲۸۵ تا ۱۳۳۹)

در قسمت میانی قبرستان هیچ سنگ نوشته ای دیده نمی شود و قبرها از ترتیب خاصی برخوردار نبوده و سنگ چینی دور قبرها با دقت و سلیقه خاصی صورت نگرفته و صرفاً به گماشتن سنگی در بالا و بعضاً در پایین قبر بصورت عمودی اکتفا شده است. این قسمت در محدوده سالهای ۱۲۸۵ تا ۱۳۴۰ شکل گرفته است که بدلیل مشکلات اقتصادی بیش از حد، مردم توان ساماندهی گورستان را از دست دادند. سالهای ۱۲۸۵ تا ۱۳۳۹ مربوط به دوره بعد از انقلاب مشروطه است. در این دوره اتفاقات بسیار بزرگی در تاریخ ایران رخداد که از ویرانگری مهیبی برخوردار بودند. تقسیم ایران به دو حوزه نفوذ شمال و جنوب توسط دو قدرت روسیه و انگلیس در سال ۱۲۸۶ (۱۹۰۷ م)، اشغال ایران در جنگ جهانی اول در سالهای ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۷ توسط دول روسیه و بریتانیا و پیرو آن بروز بزرگترین قحطی در ایران در سالهای ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ و شیوع بیماری وبا، سقوط سلسله قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی، اشغال ایران در جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ و تبعید شاه از جمله مهمترین رخدادهایی هستند که در دوره تاریخی ۱۲۸۵ تا ۱۳۳۹ در کشور صورت گرفته که برخی از آنها بعنوان فاجعه انسانی در تاریخ ثبت گردیده اند.

در اواخر دوران قاجار همدان با فاصله ۱۰ سال شاهد دو قحطی بزرگ بود. نخست در سالهای حدود ۱۲۸۶ شمسی، قحطی مصنوعی همدان در دوران حکومت ظهیرالدوله در همدان به خاطر مخالفت خوانین با افکار مشروطه خواهانه وی و قحطی دوم در دوران جنگ جهانی اول و در سالهای ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ بود. در طی این جنگ شهر همدان به تناوب به اشغال قوای روس، عثمانی و انگلیس درآمد و این شهر ستاد سپاهیان آنها بود [9].

در جنگ جهانی اول، دولت مستوفی الممالک، در ۱۹۱۴ (۱۲۹۳) طی فرمانی، به نام شاه، رسماً بی طرفی ایران را اعلام نمود [10] (میروشینکف، ۱۳۴۴: ۲۹). عثمانی ها با حمایت آلمان از مرزهای غرب کشور تا مرکز همدان پیش آمدند و از آنجا راهی قفقاز و مرزهای

روسیه شدند. روس‌ها در مرداد ۱۲۹۴ ش، تا پشت دروازه‌های تهران جلو آمدند [11]. هم‌زمان با این تغییر و تحول در تهران، نیروهای انگلیسی وارد جنوب شدند و با پیش‌روی آنها در صفحات جنوب ایران، در نیمه‌ی اول سال ۱۹۱۶، ایران عملاً تحت اشغال قوای سه کشور بیگانه قرار گرفت [12]. روسیه و انگلستان در این خلال با انعقاد قراردادهایی ایران را به مناطق تحت نفوذ خود تبدیل کرده بودند. یکی از این توافق‌نامه‌ها پیمان معروف ۱۹۱۵ بود که در ۲۸ دی ۱۲۹۳، میان روسیه و انگلستان به امضا رسید. این پیمان قلمرو نفوذ دو کشور در ایران را بیش از آنچه که در پیمان ۱۹۰۷ آنان مقرر شده بود، توسعه داد. ورود نظامیان روسیه به شهرهای تبریز، ارومیه، همدان، قزوین، زنجان و کرمانشاه که در زمستان ۱۲۹۳ ش و در تمام طول سال ۱۲۹۴ صورت گرفت، نتیجه‌ی همین توافق‌نامه بود [13].

قزاق روس بعد از شکست از ملیون همدان و ژاندارمری در گردنه آوج در محرم ۱۳۳۴ (آبان ۱۲۹۴)، با چهار هزار نفر در ماه صفر همان سال از راه سردرود رو به جانب همدان آوردند [14]. بدنبال ورود قوای روس و انگلیس به همدان، این خطه همانند سایر ولایات غربی کشور دچار قحطی گردید. دانسترویل فرمانده نیروهای بریتانیا قحطی مخوف همدان را چنین توصیف می‌کند «نشانه‌های قحطی وحشتناک بود و شخص با یک دور حرکت در شهر با منظره‌های بسیار ناخوشایندی مواجه می‌شد. مردم می‌میزند و کسی تلاش نمی‌کند که به آنان کمک کند و جسد مردگان آنقدر در جاده‌ها می‌ماند تا آنکه دفن آنها اجتناب‌ناپذیر می‌شود» [15]. به زعم او از جمعیت ۵۰۰۰۰ نفری همدان دست کم ۳۰ درصد در آستانه گرسنگی بودند و مرگ درصد بالایی از این تعداد حتمی بود. او مدعی است که افراد متمول همدان با فروش غلات به بریتانیایی‌ها سود هنگفتی کسب کردند [16]. همچنین مسیر همدان به قزوین را مملو از جنازه قربانیان قحطی توصیف می‌کند [17].

داناو خیرنگار جنگی در ۱۹۱۸ (۱۲۹۶ ش) همدان را شهر وحشت معرفی می‌کند که قربانیان دفن نشده گرسنگی، مردان، زنان و کودکان در خیابانها و در مناطق نزدیک به ستاد بریتانیایی‌ها رها شده بودند. مردم بی‌غذا به خوردن گوشت انسان رو می‌آوردند. مرتکبین معمولاً زنان و قربانیان کودکان بودند که از درگاه خانه‌هایشان و یا کوچه و خیابان دزدیده شده بودند [18].

کالدول در علت این کمبودی علاوه بر خرید ذخایر توسط قشون خارجی، به نبود دولت مقتدر و فقدان امکانات حمل و نقل بدلیل از بین رفتن بسیاری از چارپایان در اثر قحطی اشاره می‌نماید [19].

جنگ تأثیر مستقیم و مخربی بر اقتصاد ایران داشت. چرا که ارتش‌های متخاصم، محصولات کشاورزی، دامی و حتی خود دام‌ها را مصادره می‌کردند و برای ارتزاق خود، مردم را در مناطق مختلف بخصوص در روستاها تحت فشار قرار می‌دادند. شبکه آبیاری کشور نیز در طی نقل و انتقالات نیرو و تجهیزات از طرف دول درگیر بکلی ویران شد. مردم را جهت جاده‌سازی و سایر امور به بیگاری نظامی و می‌داشتند و این امور باعث کاهش چشمگیر سطح تولید کشاورزی گردید. فوران تلفات انسانی ناشی از قحطی و جنگ را در کل کشور بین یکصد هزار تا دو میلیون نفر برآورد می‌کند [20].

پس از قحطی بزرگ بیماری‌های واگیر دار شیوع یافت. کالدول گزارش می‌دهد که بیش از نیمی از جمعیت همدان مبتلا به بیماری مسری آنفلونزا می‌باشد. فوریز لیث که بعد از ۱۹۱۶ در نواحی شمالی همدان حضور پیدا نموده بود از قحطی، بیماری و تخریب و تخلیه مناطق مسکونی صحبت می‌کند. او می‌نویسد « خسارت وارد بر املاک سردار اکرم بر اثر قحطی نسبت به سایر مناطق کم بود. کاملاً مشهود بود که بسیاری از روستاهای خارج از محدوده املاک سردار به دلایل قحطی، اشغال روستاها و بیماری‌های مختلف خالی از جمعیت شده بودند» [21].

آنچه که از گفته بزرگان روستا نیز بر می‌آید مهر تأییدی بر یادداشتهای فوق است. آنها به نقل از نسل قبل از خود، از حمله روستاها و دوران قحطی صحبت می‌کنند. دورانی که بعد از ورود روستاها به روستاها و به تاراج بردن اموال، اغذیه و علوفه انبارها اتفاق افتاده و ضمن افزایش فجیع قیمتها، مردم با کمیابی و نایابی مواجه گردیده و قحطی به تمام معنا اتفاق افتاده است. در این زمان هیچ حمایت داخلی از سوی دولت و یا حمایت خارجی صورت نگرفته و صرفاً در برخی موارد از متمولین روستایی که اقدام به کار نیکوکارانه کرده و به دادن احسان پرداخته‌اند حرف به میان می‌آورند. لذا در توصیف‌های آنها از شیوع بیماری و مرگ افراد زیاد بویژه کودکان و ترس مردم از رفتن

فرزندان به معابر روستایی داستانهای مختلفی شنیده می‌شود. در این میان آنها به کیفیت دفن مردگان اشاره نموده که قوت چندانی در بازوان مردم جهت دفن مرسوم باقی نمانده و پولی بابت تهیه سنگ قبر نداشتند.

روند فقر مردم همچنان ادامه داشت و علی‌رغم بازگشت ثبات نسبی، اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران دوباره در نتیجه بروز جنگ دوم جهانی در هم ریخت. در جنگ دوم جهانی نیز علی‌رغم اعلام بی‌طرفی ایران، در سوم شهریور ۱۳۲۰ قوای انگلیس و شوروی کشور را اشغال و ارتش بدون مقاومت تسلیم شد. قوای انگلیس در هشتم شهریور وارد خطه همدان شده و تا مدتها شهر را به صحنه تاخت و تاز تبدیل نمودند.

کمبود مواد غذایی همراه با تورمی بسیار بالا، که در اثر اتخاذ سیاست پولی قوای اشغال‌گر به وجود آمده بود، قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داد و در نتیجه هزاران هزار نفر در سرار کشور دچار گرسنگی شدند. با کمبود آذوقه مردم دچار ضعف بنیه شده و بیماری آنها را سریعتر از بین می‌برد. از سوی دیگر شیوع بیماریهای مسری که سوغات متفقین برای مردم ایران بود، جان هزاران ایرانی را گرفت [22].

بخش غربی گورستان (دوره ۱۳۴۰ تا کنون)

از سال ۱۳۴۰ به بعد اتفاقات بیشتر در راستای اصلاح بوده و لذا در این سالها ثبات نسبی توأم با رفاه به سطح جامعه باز می‌گردد. اصلاحات ارضی که در دهه ۱۳۴۰ در کشور روی داد باعث تملک روستائیان بر اراضی گردیده و علی‌رغم معایب متعددی که در آن وجود داشت، در کل باعث قدرتمند شدن روستاییان شد. تقسیم زمین میان دهقانان و در نتیجه رهایی آنان از بهره مالکانه و همچنین عوارض دیگر در وهله نخست و در آغاز کار به بالا رفتن میزان نسبی درآمد و افزایش قدرت خرید آنان منجر شد [23]. با روی دادن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و حمایت حکومت از طبقات پایین و مستضعف توجه دولتها به مناطق روستایی بیشتر شده و باعث افزایش سطح تحصیلات و آگاهی، درآمد، بهبودی وضعیت بهداشتی، اصلاح سبک غذایی روستاییان و بطور کلی زمینه‌های ترقی در مناطق روستایی همانند مناطق شهری شد.

طبق مطالعات انجام شده، اقتصاد ایران در دوره ۱۵ ساله ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ ۴/۷ برابر رشد داشته است. در ادامه نیز علیرغم روند معکوس و سیر نزولی اقتصاد بدلائل انقلاب و جنگ تحمیلی، روند صعودی اقتصاد ایران از سال ۱۳۶۸ مجدداً آغاز می‌شود. بطوری که این روند تا سال ۱۳۹۰ ادامه داشته و در مدت ۲۳ سال (از سال ۱۳۶۸ تا پایان ۱۳۹۰) اندازه اقتصاد کشور ۳/۱ برابر شده است [24].

بدیهی است که در دوران ثبات و آغاز شکوفایی اقتصادی، مردم به مسایل فرهنگی و هنری بهای بیشتری می‌دهند. تأثیر این دوران در گورستان روستا کاملاً مشهود است. بیشتر قبرها دارای سنگ قبر شده و با مصالح جدید از جمله سیمان و بتن ساخته شده‌اند. بطوریکه رفته رفته نوع سنگها و اندازه آنها تغییر کرده و به میزان متون درج شده در آنها افزوده شده است. تا جاییکه در قبور متأخر درج عکس اموات در سنگ قبرها و نقش تصاویر دیگر نیز مرسوم شده است. مسلماً همه این موارد تابع شرایط اقتصادی بازماندگان بوده و هزینه‌بر می‌باشند.

تصاویر ۴ تا ۶ مربوط به نمونه سنگهایی است که در دوره تاریخی ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۹ ایجاد شده‌اند. همانطور که مشاهده می‌شود سنگها از نوع صنعتی جدید بوده که در قطعات کوچک ایجاد شده‌اند. حکاکی برجسته دیگر وجود ندارد و در محتوای آن بیشتر به نام و نام خانوادگی متوفی و نام پدر به همراه سال فوت و بعضاً سال تولد اشاره شده است. سنگها بسیار ساده و بیشتر آنها فاقد تزیینات خاص و شعر می‌باشند. این سنگهای کوچک توسط بتن در سینه قبرها بکار گذاشته شده‌اند. باید گفت که نصب سنگ قبر و بتن نمودن روی آن در این دوره هنوز آنچنان رایج نشده و بیشتر قبرها فاقد سنگ می‌باشند.



تصویر شماره ۴: آقا حسین فرزند محمد قاسم سال ۱۳۵۹



تصویر شماره ۵: هما فرزند خسرو سال ۱۳۴۸



تصویر شماره ۶: قربان ویردی فرزند محمد آقا سال ۱۳۶۱

بعد از ۱۳۷۰ نصب سنگ قبر بیشتر رایج شده و همگان با هر موقعیت اجتماعی و اقتصادی آنرا انجام می دهند، از طرف دیگر پوشش بتنی کمتر دیده شده و تمام روی قبرها و دیواره‌های آن با سنگ پوشیده شده است. بیشتر آنها از سنگهای نسبتاً گرانی استفاده شده و دارای متون طولانی و اشعار بوده و درج عکس متوفی مرسوم شده است.

در قید تاریخ تولد برای افراد مسن بیشتر به سال تولد اشاره شده و به دلیل نداشتن سند کافی از درج روز و ماه تولد خودداری شده است. در حالیکه در افراد کم سن و سال تاریخ تولد بصورت کامل قید گردیده است.

در برخی سنگها به جای واژه تولد از اصطلاح «طلوع دل انگیز» و به جای واژه وفات از اصطلاح «غروب غم انگیز» استفاده شده است. درج تاریخ تولد و تاریخ وفات در برخی سنگها در زمینه یک کتاب صورت گرفته است که حکایت از تشبیه زندگی به کتابی است که آغاز و پایانی دارد.

قید اصطلاح آرامگاه در رأس بیشتر سنگها دیده می‌شود. بیشتر اشعار بر خلاف سنگ نوشته‌های قدیمی زبانحال بازماندگان می‌باشد. بدین نحو که بازماندگان با این اشعار پدر و یا مادر و یا فرزند از دست داده خود را ستایش نموده‌اند:

خدا یا سینه ای غمناک دارم	فغان از گردش افلاک دارم
چرا شب تا سحر از دل ننالم	که اینجا پدری در خاک دارم

خانه بی مادر غم پرور است	باغ شادبها وجود مادر است

در برخی سنگ قبرها سعی شده است که موقعیت اجتماعی فرد متوفی با نماد و یا با واژه نشان داده بشود. درج تصویر کعبه برای متوفی حج رفته، قید مادر شهید از جمله آنهاست. در برخی سنگها نام و مشخصات متوفی در داخل اشعار آمده است.

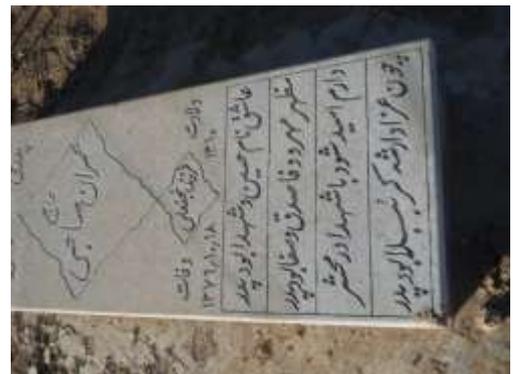
خدا را بنده باشم نوجوانی	سفر کردم از این دنیای فانی
کنون اعضای خود اهدا نمودم	به جمعی هدیه کردم زندگانی
غلامی نام من باشد محمد	چنین از من بود نام و نشانی

این گل که بهاران ز گلستان جهان رفت	مصطفی است که ناکام و جهان رفت
آتش به دل ما زد و چون مرغ سبکیال	معصوم و غمین پر زند و تا باغ جهان رفت

اشعار به کار رفته در سنگ قبرهای افراد کم سن و سال و جوان خود بیانگر مرگ زود هنگام فرد متوفی بوده و شکوه بازماندگان را می‌رساند.

پسرم با توجه گفتند که خاموش شدی	مهربانا چه خبر شد که کفن پوش شدی
تو که صد نغمه سخن بودی و دلها همه گوش	چه شنیدی که زبان بستی و خاموش شدی"

استفاده از نمادهای سابق دیگر منسوخ شده و به جای آن نمادهای جدیدی ایجاد گردیده است. برای مثال در سنگ قبر زنان به جای درج نمادهای گذشته مشخصات متوفی در داخل دسته ای گل حک شده است. یا در برخی موارد ضمن درج واژه مادر در داخل قلب در کناره های آن تصویر شمعی روشن به کار گذاشته شده است (برای نمونه تصویر شماره ۷ تا ۱۰).



تصویر شماره ۷: سال فوت متوفی ۱۳۷۶

تصویر شماره ۸: سال فوت متوفی ۱۳۸۰

تصویر شماره ۹: سال فوت متوفی ۱۳۹۲

تصویر شماره ۱۰: سال فوت متوفی ۱۳۸۹

نتیجه گیری

این مقاله با هدف بررسی تغییرات صورت گرفته در گورستان در اثر شرایط تاریخی جامعه که خود نشأت گرفته از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد، انجام گردید. گورستان بعنوان یک پدیده اجتماعی در نظر گرفته شده و انعکاس کننده دیگر پدیده‌های اجتماعی همچون ادبیات، هنر، اعتقادات، آداب و رسوم، سطح اقتصادی مردم، امنیت اجتماعی و سیاسی می‌باشد. با بررسی انجام شده در یک گورستان، تغییرات صورت گرفته در آن منطبق با تحولات تاریخی جامعه و متعاقب آن منطبق با شرایط اقتصادی و سیاسی در طی بیش از دو قرن گذشته است. جامعه ایران و تمامی اجتماعات زیر مجموعه آن در دو قرن گذشته شاهد اتفاقات بزرگی بوده است که بعضی از آنها در جای خود سرنوشت مردم را رقم زده است. اتفاقاتی همچون جنگ جهانی اول، اشغالگری انگلیس و روس و بروز قحطی بزرگ،



قحطی و کمبودی دوران جنگ دوم جهانی و شیوع بیماریهای مرگ بار، جمع کثیری از جمعیت کشور را تلف نموده و بازماندگان را به فقر مبتلا نمود. در روستای مورد مطالعه این تحولات تاریخی کاملاً در قبرستان مشهود بوده و می‌توان گورستان را به سه بخش که منطبق با سه دوره تاریخی قبل از ۱۲۸۵، ۱۳۳۹-۱۲۸۵ و بعد از ۱۳۴۰ تقسیم نمود که دوره میانی حکایت از فقر و فلاکت و قحطی در جامعه دارد. همچنین در این مطالعه محتوای سنگ نوشته های دو دوره اول و آخر مورد بررسی قرار گرفته و می‌توان تغییراتی همچون نوع سنگ، خط نوشتاری، زبان‌ها، نمادها و نقشها را مشاهده نمود. مهمترین این تغییرات این است که در دوره اول اشعار زبانه‌ها و خواسته متوفی بوده و در دوره اخیر زبانه‌ها و خواسته بازماندگان می‌باشد.

منابع

- [۱] الباس، محمد؛ "مرده‌ها در حیات اجتماعی ما شریکند؛ گفتاری در کارکردهای جامعه شناختی گورستان، "روزنامه ایران، ص شماره ۳۸۲۵، ۱۰ دی ۱۳۸۶.
- [۲] کبیرصابر، محمدباقر؛ "آثار سنگی تمدن اسلامی در گورستان آرامنه تبریز،" فصلنامه علمی پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، صص ۷۵-۸۲، سال نهم ۱۳۹۱.
- [۳] سعیده، رحمن ستایش، نشانه‌ها و مفاهیم در گورنگارهای دارالسلام، تهران: انتشارات دریاپیگی، ۱۳۹۲.
- [۴] آ. آیتی‌زاده، "بررسی سنگ نگاره‌های باستانی اسبقته یزد،" جلوه هنر، جلد شماره ۱۲، شماره ۹۲-۹۷، ۱۳۹۳.
- [5] N. Yazici, "Ahiret Kulturu," in *Uluslararası Turk ve Edebiyat Kongresi, (21), ISSN 2203-4548*, <http://eprints.ibu.edu.ba/2114/>, 2013.
- [۶] May, Daniel J " „Bellair Cemetery: A Sociological Examination of Cemeteries as Communies ",2005 Eastern Illinois University, .
- [۷] ا. واگو، درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ص ۱۳، ۱۳۷۲.
- [۸] ب. ا. ق. کشور، وزارت جهاد کشاورزی ایران، ۱۳۹۱.
- [۹] غ. قراگوزلو، هگمتانه تا همدان؛ سرگذشت قرن‌ها در قدیمی‌ترین شهر ما، تهران: انتشارات اقبال، ص ۵۶، ۱۳۸۸.
- [۱۰] ل. ن. میرشکنف، ایران در جنگ جهانی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۲۹، ۱۳۴۴.
- [۱۱] ف. کاظم زاده، روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ پژوهش درباره‌ی امپریالیسم، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، صص ۵۹۰-۵۷۱، ۱۳۷۱.
- [۱۲] ف. کاظم زاده، روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ پژوهش درباره‌ی امپریالیسم، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، صص ۶۴۰، ۱۳۷۱.
- [۱۳] ع. ملائی، "بریگاد قزاق ایران، صحنه‌ای از مداخلات لجام گسیخته‌ی روسیه در ایران،" تاریخ و فرهنگ معاصر، صص ۱۶۱-۱۸۱، شماره ۳ و ۴ سال ششم ۱۳۷۶.
- [۱۴] ی. دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران: انتشارات فردوسی، صص ۳۰۸-۳۰۲، ۱۳۶۲.
- [۱۵] م. مجد، قحطی بزرگ ۱۹۱۷-۱۹۱۹، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، صص ۴۶، ۱۳۸۷.
- [۱۶] م. مجد، قحطی بزرگ ۱۹۱۷-۱۹۱۹، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، صص ۴۶، ۱۳۸۷.
- [۱۷] م. ق. مجد، قحطی بزرگ ۱۹۱۷-۱۹۱۹، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، صص ۴۷، ۱۳۸۷.

- [۱۸] م. مجد، قحطی بزرگ ۱۹۱۹-۱۹۱۷، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، صص ۵۷-۵۶، ۱۳۸۷.
- [۱۹] م. مجد، قحطی بزرگ ۱۹۱۹-۱۹۱۷، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، صص ۷۴-۷۳، ۱۳۸۷.
- [۲۰] ج. فوران، مقاومت شکننده، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ص ۲۹۶، ۱۳۷۷.
- [۲۱] ف. لیث و آ. کرنلیوس، کیش مات؛ خاطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم، تهران: انتشارات اطلاعات، ص ۳۰، ۱۳۶۶.
- [۲۲] س. بایرامی، "آثار و پیامدهای اجتماعی اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰"، *فصلنامه مطالعات تاریخی*، جلد شماره ۲۷، صص ۱۵۷-۱۷۳، ۱۳۸۸.
- [۲۳] ن. تقوی، جامعه شناسی روستایی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ص ۱۵۷، ۱۳۸۳.
- [۲۴] ح. زمانزاده، "پنج دهه فراز و فرود تولید؛ بررسی علل رشد پایین و بی ثبات اقتصاد ایران"، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، جلد شماره ۱۳۶، صص ۲۰۲-۲۰۴، ۱۳۹۱.